

تأملی در معنای "صدق" در قرآن و دلالت‌های تربیتی و آموزشی آن

علی شیروانی شیری^۱، مرضیه خشنود^۲، فهیمه صفری^۳

چکیده

از مؤثرترین و مهم‌ترین اقدامات در مطالعات حوزه تعلیم و تربیت اسلامی، تحلیل مفاهیم بنیادی قرآنی و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن‌هاست. با تحلیل دقیق و برهم‌نهی مفاهیم بنیادی قرآنی و معانی مختلف می‌توان به استنتاج موثق‌تری دست یافت. این اقدامات می‌تواند گامی در جهت طراحی نظام تعلیم و تربیت اسلامی و نظریه‌پردازی در این حوزه باشد. پژوهش حاضر در پی بررسی مفهوم صدق در قرآن و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن است. سؤالهای پژوهش عبارتند از: ۱. صدق در قرآن بر چه معنایی دلالت دارد؟ ۲. دلالت‌های تربیتی مفهوم صدق چه هستند؟ برای پاسخگویی به سؤالهای فوق از روش اسنادی و کتابخانه‌ای در گردآوری داده‌ها و از شیوه‌ی تحلیل مفهومی در تحلیل داده‌ها استفاده شده است. مطالعه حاضر از نوع مطالعات کیفی تلقی می‌شود. بر اساس تحلیلی که از آیات قرآن و تفاسیر مختلف از آن‌ها گذشت، می‌توان گفت که دایره "صدق" نه تنها در گفتار که در نیت و عمل نیز گسترده است. همچنین "صدق" دارای دو حوزه معنایی کلی؛ یکی به معنای راستگویی و پیروی از حق و دیگری به معنای وفاداری به عهد و پیمان است. **کلیدواژه‌ها:** صدق، کذب، قرآن مجید، تعلیم و تربیت اسلامی، اخلاق اسلامی.

۱. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، مدرس دانشگاه فرهنگیان، ایران، نویسنده مسئول، ali_shiravani@yahoo.com

۲. لیسانس آموزش ابتدایی، آموزگار ابتدایی، شهرستان داراب، ایران.

۳. لیسانس آموزش ابتدایی، آموزگار ابتدایی، شهرستان اقلید، ایران.

دریافت: ۹۷/۱۱/۶ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۰

مقدمه

قرآن کریم که از سوی خداوند حکیم و توسط رسول خاتم (ص) برای هدایت بشر آمده است، در زمینه هدایت انسان، منبع اصلی تمامی مبانی و اصول تربیت است. پرداختن به مفاهیم بنیادی قرآن کریم از محورهای اساسی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی است. "صدق" از جمله مفاهیم بنیادی قرآنی است که در انسانشناسی و اخلاق اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است. در ۱۱۰ آیه از قرآن کریم مستقیماً از کلمه صدق یا ریشه های مختلف آن (صَدَقَ، صَدِقٌ، صِدْقٌ، صِدْقًا، و...) استفاده شده است. در چند آیه نیز از کلمه "صدقه" از همین ریشه و به معنای بخشش آمده است، اما در معنای اخیر مورد نظر نگارندگان نیست. کثرت استفاده از این واژه در قرآن کریم نشان دهنده اهمیت و جایگاه ارزشمند این مفهوم در نظام معیار اسلامی است. افزون بر این، به کارگیری مفاهیم نزدیک و از جهاتی هم معنا (حق، وفای به عهد و عقود) و مفاهیم متضاد مانند "کذب، افترا، فسق و..." و ریشه های مختلف آن ها در قرآن کریم، و در نظر داشتن گستره این مفاهیم در حوزه ها و قلمروهای مختلف نیت، گفتار و عمل، اهمیت و ضرورت تأمل و پرداختن به موضوع را بیشتر می کند. اهمیت این مفهوم به حدی است که خداوند حکیم در کلام وحی، خود را راستگوترین معرفی می نماید: "مَنْ أَصْدَقُ لِمَنْ أَلَّهِ قِيلاً..." (نساء/۱۲۲)، کیست که در گفتار و وعده هایش از خدا صادق تر باشد؟! خداوند متعال این ویژگی که از شریف ترین فضایل برجسته اخلاقی است را به رسولانش و البته به انسانهای مومنی که در مسیر هدایت، و صراط حق هستند نیز نسبت می دهد تا خردمندان را متوجه این فضیلت اخلاقی و آثار و برکاتی که در عرصه فردی و اجتماعی زندگی در پی دارد نماید. در احادیث بسیاری از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) به اهمیت مفهوم صدق پرداخته شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی تأملی هرچه ژرف تر مفهوم صدق در قرآن کریم با مبنا قرار دادن آیات قرآن، تفاسیر مختلف و برخی از احادیث رسیده از ائمه معصومین □، و در پی آن استنتاج دلالت های تربیتی آن است. به طور خلاصه می توان گفت که مطالعه حاضر در پی پاسخ دادن به دو پرسش زیر است:

- ۱- صدق در قرآن بر چه معناهایی دلالت دارد؟
- ۲- دلالت های تربیتی مفهوم قرآنی صدق چیست؟

روش مطالعه

این پژوهش با رویکردی کیفی و با به کارگیری روش تحلیل مفهومی صورت گرفته است. "تحقیق کیفی به مجموعه فعالیت های با معنایی اطلاق می گردد که با هدف توسعه درک زندگی اجتماعی انسان ها و کشف چگونگی ساخت معنا از سوی انسان ها انجام می شود" (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۴۹). روش تحلیل زبانی و مفهومی، کاربرد کلمات را به منزله روش اساسی تحلیل، مورد استفاده قرار می دهد. در تحلیل مفاهیم باید با دقت تمام، ارتباط بین کلمات و کاربردها را در عبارات مختلف بررسی کرد. برای

این منظور می‌توان از بررسی بافت یا سیاق مفهوم، بررسی مترادف کلمات و عبارات، تحلیل بر حسب مفهوم متضاد، و تحلیل بر حسب شبکه معنایی به عنوان شیوه‌های مختلف تحلیل بهره برد (باقری، ۱۳۸۹: ۱۶۲-۱۸۱). هدف پژوهش تحلیلی فلسفی عبارت است از فهم و بهبودبخشیدن مجموعه مفاهیم یا ساختارهای مفهومی که ما بر حسب آن‌ها تجربه را تفسیر می‌نماییم، مقاصد را بیان می‌داریم، مسائل را ساخت‌بندی می‌کنیم و پژوهش‌ها را به اجرا در می‌آوریم. بنابراین، "تحلیل مفهومی" نوعی از تحلیل است که ما به واسطه آن به فهم معتبر از معانی عادی یک مفهوم یا مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط دست می‌یابیم (کومبز و دنیلز، ۱۳۹۴: ۴۳-۴۷).

در پژوهش حاضر، ابتدا مفهوم قرآنی صدق بر مبنای تفاسیر گوناگون، تجزیه و تحلیل شده و سپس بر اساس تحلیل‌های به عمل آمده، به معنای این مفهوم قرآنی و جایگاه آن در نظام معیار اسلامی و ارتباط آن با سایر مفاهیم اساسی قرآنی پرداخته خواهد شد. در نهایت بر بستر آن منظومه‌ی فراهم آمده از معناشناسی، دلالت‌های تربیتی آن استنتاج می‌شود.

مفهوم و معناشناسی صدق از دیدگاه صاحب‌نظران

در این بخش، معنای لغوی و اصطلاحی مفهوم "صدق" از دیدگاه صاحب‌نظران، مورد بررسی قرار می‌گیرد. صدق یعنی "راست گفتن، راستی و درستی، نقض کذب" و صداقت به معنای "دوستی، دوستی از روی راستی و درستی" (عمید، ۱۳۷۷: ۱۳۵۶).

راغب اصفهانی، صدق را چنین تعریف کرده است: "الصدق و الکذب: راست و دروغ، اصل‌شان در قول و سخن است چه ماضی و چه حال و مستقبل، چه وعده راست و دروغ باشد و یا غیر از این‌ها" (ترجمه مفردات، ج ۲، ص: ۳۸۲). در کیمیای سعادت چنین آمده است: "صدق به اخلاص نزدیک است و درجه‌ی وی بزرگ است و هر که به کمال رسد نام وی صدیق است و این صدق و راستی در شش چیز بود اول در زبان است که هیچ دروغ نگوید..... دوم در نیت سیم در عزم..... چهارم در وفا بود به عزم ... پنجم آن بود که هیچ چیز در اعمال فرا نماید که باطن وی بدان صفت نبود..... ششم آن که مقامات دین حقیقت آن از خویشتن طلب کند" (غزالی، ۱۳۸۴: ۸۲۶-۸۲۹).

در معراج السعاده آمده است: "ضدّ دروغ‌گویی، صدق است، که راست‌گویی است. و آن اشرف صفات نفسانیه و رئیس اخلاق ملکیه است. خداوند عالم می‌فرماید: (اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصّٰدِقِیْنَ)، یعنی: «پرهیزید از خدا و با راست‌گویان بوده‌باشید.» و از حضرت رسول (ص) مروی است که: «شش خصلت از برای من قبول کنید تا من بهشت را از برای شما متقبّل شوم: هرگاه یکی از شما خبری دهد دروغ نگوید، و چون وعده نماید تخلف نرزد، و چنانچه امانت قبول نماید خیانت نکند و چشم‌های خود را از نامحرم بپوشد، و دست‌های خود را از آنچه نباید به آن دراز کند نگاه دارد، و فرج خود را محافظت نماید» (نراقی، ۱۳۸۵: ۱۳۸۵).

۵۱۰). جوادی آملی (۱۳۹۴)، بر اساس آیات قرآنی داشتن "قدم صدق" (سوره یونس، آیه ۲) و "مقعد صدق" (قمر/ ۵۴-۵۵) را از ویژگی‌های مؤمنان و پرهیزگاران معرفی می‌کند. صادق نیز کسی است که به عهدش وفا کرده است (احزاب/ ۲۳). "خدای سبحان، انبیاء را به عنوان "صدیق" و "صادق" معرفی می‌کند و دیگران را به همراهی آنان فرا خوانده می‌فرماید "کونوا مع الصادقین" (توبه/ ۱۱۹)؛ با سنت و سیرت اهل صدق باشید و از آنان جدا نباشید" (جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، ۱۳۹۴: ۲۴۷). "بهترین نمونه صدق، پایداری در جبهه جنگ؛ خواه جنگ ظاهر و جهاد اصغر و خواه جنگ باطن و جهاد اکبر است" (همان، ۱۳۹۴: ۲۴۸). ایشان معتقد است که دایره صدق نه تنها در گفتار که در نیت و عمل نیز گسترده‌است.

بررسی مفهوم صدق در بافت و سیاق آیات قرآن

"صدق" در فرهنگ قرآنی، جایگاه و اهمیت بالایی دارد. "صدق" از جمله کلیدواژگان وحی است که در معیت "حق" که تنها از جانب "خدا" است "الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ..." (بقره/ ۱۴۷)، معنا می‌یابد، "قُلْ لِّصَدَقِ اللّٰهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ اِبْرٰهٖمَ حَنِيفًا وَّ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ" (آل عمران/ ۹۵)، (ای پیامبر!) بگو: خداوند راستگوست، پس از آیین ابراهیم حق گرا پیروی کنید که او از مشرکان نبود. در آیه "وَلَمَّا رَاَ الْمُؤْمِنُوْنَ الْاَحْزَابَ قَالُوْا هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَّصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَاَمَّا نَا اِيْمَانًا وَّلَا تَسْلِيْمًا" (سوره الاحزاب/ ۲۲)، و همچنین در آیه ۵۲ سوره یس به حقانیت و درستی و راستی وعده خدا و رسولش اشاره شده.

آیه "بَلْ جَاء بِالْحَقِّ وَصَدَقَ الْمُرْسَلِيْنَ" (صافات/ ۳۷)، و بافتی که در آن قرار دارد شامل آیات قبل و بعد، حاوی این پیام‌های مهمی است که ۱. پیامبران، مردم را به سوی حق (خدا) می‌خواندند نه خود. ۲. تمام انبیا به توحید و حق دعوت می‌کردند و پیامبر اسلام نیز آنان را تصدیق می‌کرد. ۳. هم خود اهل حق باشید و هم حقانیت دیگران را تصدیق کنید ۴. کيفر کسانی که از روی آگاهی، قرآن را شعر و پیامبر را مجنون می‌خواندند، عذاب دردناک است. " (تفسیر نور، ج ۱۰، ص: ۲۸).

با در نظر داشتن بافت و سیاق آیات فوق، چنین برداشت می‌شود که "صدق" و راستی همواره با حق (خدا، وحی، و رسولانش) ملازم است. "صدق" با معیارهای دیگری چون مدلل بودن و هماهنگی و تناظر اعمال و رفتار از هر نظر با اعتقاد و ایمان نیز ملازم است. آیات "وَ اِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلٰى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِّنْ مِّثْلِهٖ وَ اَدْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ" (بقره/ ۲۳) و "وَ قَالُوْا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ اِلَّا مَنْ كَانَ هُوْدًا اَوْ نَصَارٰى تِلْكَ اٰمٰنِيْنُهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهٰنَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ" (بقره/ ۱۱۱) به معیار مدلل بودن و آیه "لَيْسَ الْبِرُّ اَنْ تُوْلُوْا وُجُوْكُمْ..." (بقره/ ۱۷۷) به هماهنگی و تناظر اعمال و رفتار از هر نظر با اعتقاد و ایمان اشاره دارد. این آیه به طور مؤکد اعلام می‌دارد که "بر"، به معنای واقعیش بجای آوردن ظواهر دینی نیست، بلکه به معنای تقوی و نیکی به آن نوع از صداقت اجتماعی گفته می‌شود که از ایمان واقعی به وحدانیت خدا نشأت می‌گیرد. در آخر آیه نیز "بر" به وضوح در ارتباط نزدیک با "صدق" و تقوی قرار داده شده است (ایزوتسو، ۱۳۹۴: ۷۵). در این آیه صدق به طور

مطلق آمده و مقید به زبان یا به اعمال قلب، یا به اعمال سایر جوارح نیست، پس منظور، آن مؤمنینی است که مؤمن حقیقی هستند و در دعوی ایمان صادقند. همچنین صدق، وصفی است که تمامی فضائل علم و عمل را در بر می‌گیرد، ممکن نیست کسی دارای صدق باشد و عفت و شجاعت و حکمت و عدالت، چهار ریشه اخلاق فاضله را نداشته باشد، چون آدمی به غیر از اعتقاد، قول و عمل، چیز دیگری ندارد و انسان مفطور بر قبول حق و خضوع باطنی در برابر آن است هر چند که در ظاهر اظهار مخالفت کند. بنابراین، اگر اذعان به حق کرد و بر حسب فرض بنا گذاشت که جز راست نگوید، دیگر اظهار مخالفت نمی‌کند، تنها چیزی را می‌گوید که بدان معتقد است و تنها عملی را می‌کند که مطابق گفتارش است، در این هنگام است که ایمان خالص و اخلاق فاضله و عمل صالح، همه با هم برایش فراهم می‌شود (ترجمه المیزان، ج ۱، ص: ۶۵۲).

آیه اخیر اشاره به تلازم "صدق" در گفتار، عمل و نیت دارد و از این آیه استفاده می‌شود که مومنان اعمال و رفتارشان از هر نظر با اعتقاد و ایمانشان هماهنگ است، و تقوا و پرهیزگاریشان از اینجا معلوم می‌شود که آن‌ها هم وظیفه خود را در برابر خدا و هم در برابر نیازمندان و محرومان و کل جامعه انسانی و هم در برابر خویشتن خویش انجام می‌دهند. چنانچه ایمان را "اعتقاد و باور قلبی، اقرار زبانی و عمل به اعضاء" معنی کنیم، "صدق" یا راستی را باید اساس ایمان بدانیم "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ" (حجرات/۱۵). آیه مذکور با "ایمان" شروع شده، و با "صدق" نیز خاتمه می‌یابد تا بدین صورت نشان داده شود که یک سوی این معادله ایمان و سوی دیگرش راستی است. "در واقع این امر می‌رساند که ایمان همان راستی، و راستی همان ایمان است" (موحدی محب، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

آیه "وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ... " (آل عمران/۱۵۲)، ناظر بر مقوله معنایی دیگری از "صدق"، یعنی "امانت" و وفاداری به عهد به عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته مومنین است که می‌توان آن را در گستره‌ای از "صدق" در گفتار و عمل و نیت، صادق دانست.

مفاهیمی چون؛ صبر، صدق، خضوع، انفاق، استغفار و ویژگی‌هایی هستند که در وجود انسان مومن و متقی، همنشینی و آمیختگی دارند، "الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ" (آل عمران/۱۷) "این آیه توصیف صفاتی از انسان‌ها می‌باشد که عباد الهی هستند" (انصاری، ۱۳۸۹: ۱۵۹). چنین صفاتی در انسان‌هایی که آگاهی، عقلانیت و ایمان بر وجود آنان حاکم باشد، ظهور می‌یابد. با توجه به بافت و زمینه موضوع، در دو آیه قبل از این آیه، خداوند پرهیزکاران و متقین را معرفی می‌فرماید و سپس از جایگاه آنان و در ادامه به برخی از برجسته‌ترین ویژگی‌های آنان اشاره می‌کند. بر این اساس، "صدق" یکی از خصوصیات بارز پرهیزکاران است.

آیه ۸۰ از سوره اسرا به یکی از دستورات اصولی اسلام که از روح ایمان و توحید، سرچشمه می‌گیرد اشاره کرده می‌گوید: "بگو پروردگارا! ورود مرا در هر کار نیز صادقانه قرار ده" هیچ کار فردی و اجتماعی را جز با راستی آغاز نکنم، همچنین هیچ

برنامه‌ای را جز به راستی پایان ندهم، راستی، درستی و امانت، خط اصلی من در همه کارها باشد و آغاز و انجام همه چیز با آن صورت گیرد. تعبیر جامع فوق هیچگونه محدودیتی در آن نیست، تقاضایی است برای ورود و خروج صادقانه در همه چیز، در همه کار، و در هر برنامه‌ای. در حقیقت رمز اصلی پیروزی در همین جا نهفته شده است و راه و روش انبیاء و اولیای الهی همین بوده که فکرشان، گفتارشان و اعمالشان از آن هر چه برخلاف صدق و راستی است پاک باشد.

دومین اصلی که از یک نظر میوه درخت توحید، و از نظر دیگر نتیجه ورود و خروج صادقانه در کارها است، همان است که در پایان آیه ۸۰ سوره اسراء به آن اشاره شده است: "خداوندا برای من از سوی خودت سلطان و یآوری قرارده" چرا که من تنها هستم، و به تنهایی کاری نمی‌توان انجام داد، و با اتکاء بر قدرتم در برابر این همه مشکلات پیروز نخواهم شد، تو مرا یاری کن و یاورانی برای من فراهم‌ساز (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص: ۲۲۶).

بر اساس تحلیلی که از آیات قرآن و تفاسیر مختلف از آن‌ها گذشت، می‌توان گفت که دایره "صدق" نه تنها در گفتار که در نیت و عمل نیز گسترده است. همچنین دو حوزه معنایی در مفهوم کلی تر "صدق" مندرج است؛ یکی به معنای راستگویی و پیروی از حق و دیگری به معنای وفاداری به عهد و پیمان است.

ویژگی‌های صادقین بر اساس بافت آیات

در سوره توبه آیه ۱۱۹ می‌خوانیم "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ". در اینکه منظور از "صادقین" چه کسانی است، مفسران احتمالات گوناگونی داده اند. ولی اگر بخواهیم راه را نزدیک کنیم، باید به خود قرآن مراجعه کنیم که در آیات متعددی "صادقین" را تفسیر کرده است. در فرهنگ قرآن، ایمان به خدا و پیامبرانش از مهم‌ترین ویژگی‌های راستگویان و راستکاران است "وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمَا الصَّادِقُونَ ... (حدید/ ۱۹). شکیبایی، خشوع و اهل طاعت پروردگار بودن نیز از دیگر ویژگی‌های صادقین است، "إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (احزاب/ ۳۳-۳۵).

از آیه ۱۷۷ سوره بقره می‌توان دریافت که راستگویان اهل انفاق و کمک به دیگران و انسان‌های نوع‌دوستی هستند که از درراه‌مانده‌گان دستگیری نموده و به حاجت‌مندان و فقیران کمک می‌کنند. و یتیمان و ناتوانان را دستگیری نموده‌و نماز به پا می‌دارند و زکات مال خویش را می‌پردازند و اهل وفای به عهد هستند. خویشان را دوست داشته و به هر شکل و در هر فرصتی به

آنان کمک می‌کنند. این‌ها نمونه‌هایی است که قرآن تنها در یک آیه بدان اشاره کرده است. به این ترتیب صادق کسی است که دارای ایمان به تمام مقدسات و بدنبال آن عمل در تمام زمینه‌ها باشد.

آیه ۱۵ سوره حجرات نیز "صدق" را مجموعه‌ای از ایمان و عمل که در آن هیچگونه تردید و تخلفی نباشد معرفی می‌کند. در آیه ۸ سوره حشر، مؤمنان محرومی که علی‌رغم همه مشکلات، استقامت به خرج دادند و از خانه و اموال خود بیرون رانده شدند، و جز رضای خدا و یاری پیامبر (ص) هدفی نداشتند، به عنوان صادقان معرفی شده‌اند.

از مجموع این آیات نتیجه می‌گیریم که "صادقین" آن‌هایی هستند که تعهدات خود را در برابر ایمان به پروردگار به خوبی انجام می‌دهند، نه تردیدی به خود راه می‌دهند، نه عقب‌نشینی می‌کنند، نه از انبوه مشکلات می‌هراسند؛ بلکه با انواع فداکاری‌ها، صدق ایمان خود را ثابت می‌کنند. شک نیست که این صفات مراتبی دارد، بعضی ممکن است در قله آن قرار گرفته باشند که ما نام آنها را معصومان می‌گذاریم، و برخی در مراحل پایین‌تر. (تفسیر نمونه، ج ۸، ص: ۱۸۱).

مصدق دیگر انسان صدیق، مومن هدایت یافته است؛ یعنی کسی که پیرو و مطیع خدا و پیامبر است، "وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ". همانطور که آیه شریفه صریحاً بیان می‌دارد، راستگویان که پیرو و مطیع امر خداوند و پیامبر او هستند، در ردیف شهدا قرار دارند و اجری چون ایشان می‌برند.

در آیات ۶۷ تا ۶۸ سوره نساء از کسانی سخن به میان می‌آید که از جانب خدا پاداشی بزرگ به آنان می‌رسد که همانا هدایت به راهی راست است. و در ادامه، مصداق‌ها را انبیاء، راستگویان، شهدا و صالحان معرفی می‌کند "وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا" (۶۹ نساء). نکته‌هایی که در اینجا قابل تأمل است این که، در سوره‌ی مبارک حمد در کنار صراط مستقیم، «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» آمده است، و این بار دوم است که در کنار آیه‌ی صراط مستقیم، گروه «أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» مطرح است. گویا غیر از انبیا و صدیقان و شهدا و صالحان، دیگران بیراهه می‌روند و راه مستقیم، منحصرأ راه یکی از این چهار گروه است.

با توجه به بافت بحث، یعنی در نظر گرفتن این آیه و همچنین دو آیه قبل از آن و حتی ارتباط این آیات با نکاتی که در همین رابطه در سوره مبارک حمد بیان شده، پیام‌های زیر قابل دریافت است: قرار گرفتن در راه انبیا و شهدا و داشتن رفقای خوب، جز با اطاعت از فرمان خدا و رسول به دست نمی‌آید. رفیق خوب، انبیا، شهدا، صدیقان و صالحانند. (تفسیر نور، ج ۲، ص: ۳۲۴).

در آیه ۶۹ نساء "الصَّادِقِينَ" و ۱۹ حدید "الصَّادِقُونَ" قبل از "الشُّهَدَاءُ" آمده و شاید حکمت این ترتیب، اهمیت و برتری راستگویی حتی نسبت به شهادت است. بر اساس آیاتی از سوره مریم (۴۱ و ۵۶) "و در این کتاب ابراهیم را یاد کن؛ زیرا او

پیامبری صدیق بود" (۴۱/مریم). "و در این کتاب ادريس را یاد کن؛ زیرا او پیامبری صدیق بود" (۵۶/مریم)؛ می توان دریافت که خداوند برخی از پیامبران را با این صفت به مردم شناسانده است. بعد از انبیاء، امامان معصوم (ع) و صدیقه زهرا (س) برترین نمونه صدیقین هستند، زیرا صدیقین مستقیماً بعد از انبیاء مورد توجه قرآن قرار گرفته‌اند، و بر صراط مستقیم بوده و در سوره حمد به مثابه «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» هستند. بر طبق حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «الْصَّادِقُونَ ثَلَاثَةٌ: حَبِيبُ النَّجَّارِ مُؤْمِنُ آلِ يَاسِينَ الَّذِي يَقُولُ: "اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (۲۰/یس) اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مُهْتَدُونَ (۲۱/یس)" و حَزَقِيلُ مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ، وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ هُوَ أَفْضَلُهُمْ. صَدِيقَانِ سَهْ نَفَرْنَا: حَبِيبُ نَجَّارٍ، مُؤْمِنُ آلِ يَاسِينَ؛ هُمُو كَمَا كُنْتُمْ: «از رسولان تبعیت کنید، از کسانی تبعیت کنید که از شما مزد نمی‌خواهند و خود هدایت یافتگانند» و حَزَقِيلُ مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ، وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، که از همه صدیقان برتر است (محمدی ری شهری، ج ۶، ص: ۱۸۷).

بنابراین، قراردادن در مسیر صراط مستقیم و هدایت مردم به راه راست، فضل و پاداش بزرگی است که از طرف خداوند نصیب پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان و شایستگان یعنی کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، می‌شود. فرهادیان، بر اساس سیاق آیات قرآن، "صدیقان" را از جمله چهره‌های محبوب خداوند معرفی می‌کند (فرهادیان، ۱۳۸۵: ۵۰۶).

بر اساس آیات قرآن، تفاسیر و مرور پیشینه پژوهش و تحقیقات انجام شده در این مورد، دایره واژه صدق بر الف. صدق در گفتار، ب. صدق در نیت، ج. صدق در عمل گسترش می‌یابد. داشتن ایمان، تقوا و پرهیزکاری، قرار داشتن در مسیر هدایت، وفای به عهد و پیمان و در کل اطاعت و پیروی از خداوند و پیامبر از ویژگی‌های بارز یک انسان صدیق است.

بررسی بر اساس مفهوم متضاد

در قرآن کریم "صدق" به معنای راستی، امانت داری و وفای به عهد، در اصل مقابل واژه "کذب" آمده است. از این واژه و مشتقات آن بیش از ۲۰۰ مرتبه در قرآن کریم استفاده شده که ضرورت تأمل انسان را در این باره می‌طلبد. کذب، عمدتاً به دو طریق تجلی پیدا می‌کند. نخست به صورت دروغ گفتن آشکار انسان درباره خدا و وحی او و دوم به صورت "نسبت دروغ به خدا دادن" است. قرآن برای مورد اول واژه "افتراء" به معنای جعل دروغ (نساء/۵۰). و برای مورد دوم واژه "تکذیب" که در لغت به معنای چیزی را دروغ شمردن است، به کار می‌برد. در آیه ۱۰۵ سوره نحل خداوند درغگویمان را کسانی معرفی می‌کند که به آیات خدا ایمان ندارند.

توجه به سیاق آیات اول سوره مبارکه صف نشان می‌دهد که "نفاق" یعنی سخنی را به زبان جاری سازی که عامل به آن نباشی و "انکار" یعنی عدم پذیرش پیام خدا که پیامبران خدا با بینات و دلایل روشن مردم را به آن دعوت می‌کردند، و "افترا"

دلالت‌های تربیتی مفهوم صدق

در این بخش از مقاله، تلاش خواهد شد تا بر اساس تحلیل‌هایی که از مفهوم "صدق" انجام شد، دلالت‌هایی در قلمرو تربیت، استنتاج شود. از آن جایی که اهداف تربیتی، فعالیت‌های تربیتی را رهبری و هدایت می‌کنند، ابتدا به اهداف تربیتی مبتنی بر صدق، پرداخته می‌شود.

الف. اهداف تربیتی مبتنی بر صدق

هدف، مبنا و اساس کلیه فعالیت‌های آموزشی و پرورشی است و در سطوح و زمینه‌های مختلف آموزش و پرورش اهمیت بسیاری دارد (صفوی، ۱۳۸۷: ۳۵). همچنین هدف، در تعلیم و تربیت به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که به طور آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد. بنابراین هدف‌های تربیتی دارای سه کارکرد رهبری فعالیت‌های تربیتی، ایجاد انگیزه در فرد، ارائه معیاری برای فعالیت‌های تربیتی هستند (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵). در حوزه تربیت اخلاقی در سیره معصومان (ع) نیز، پرورش فضائل و از میان بردن رذایل و پرورش فهم و تعقل اخلاقی، دو هدف تربیت اخلاقی هستند (داودی، ۱۳۹۰: ۶۶).

در تعلیم و تربیت اسلامی حقیقت‌جویی و حقیقت‌گرایی دو آرمان و هدف غایی و دراز مدت نظام تعلیم و تربیت اسلامی به شمار می‌آیند. اهدافی که سایه خود را بر سر همه حیطه‌های تربیت، اعم از تربیت عقلانی، علمی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، اعتقادی و دینی و عاطفی گسترانده‌اند (شمشیری و شیروانی، ۱۳۹۰). به تبع آن، "صداقت" می‌تواند هدف واسطی در تعلیم و تربیت اسلامی در ردیف اهداف واسطی دیگری چون "صبر" (شمشیری و شیروانی، ۱۳۹۰) و "حب" (شیروانی و دیگران، ۱۳۹۲) به شمار آید.

صداقت را می‌تواند به عنوان هدف واسطی در تعلیم و تربیت اسلامی، از دو بعد فردی و اجتماعی مورد توجه قرار داد:

۱. در بعد فردی، هدف تربیت افراد سالم و صادق است. شخص راستگو، از نظر نفسانی و روانی سالم است؛ زیرا نیت‌ها، باورها و اعتقاداتش راستین و عملش صالح است و در حقیقت ظاهر و باطنش یکی است. وی همواره شاکر نعمت‌ها و در حالت رضا و آرامش زندگی می‌کند.

۲. در بعد اجتماعی، هدف ایجاد محیط تربیتی و حتی جامعه‌ی اخلاقی صادق و سالم است. محیط و جامعه سالم، جامعه‌ای است که بنیان آن بر صداقت است. چنین جامعه‌ی اخلاق‌مندی در مسیر حق، سعادت و کمال و صراط مستقیم است که فضایل اخلاقی عام‌تری چون حکمت، برابری و عدالت اجتماعی، عفت و شجاعت نیز در آن معنا می‌یابد.

برای نیل به این هدف، در محیط و فضاهاى تربیتی می توان علاوه بر پرداختن به محتوای مناسب و نظریه پردازی، به اصلاح متناسب قوانین و حتی ساختارهای آموزشی پرداخت تا زمینه های بروز رفتارهای غیراخلاقی همچون دروغگویی، نقض عهد و نظایر آن کاهش یابد. بنابراین، برای تحقق هدف "صداقت"، فعالیت های مناسب تربیتی از نوع ایجابی و سلبی لازم است تا صورت بندی و اجرا شود.

ب. اصول تربیتی مبتنی بر صدق

"اصول تعلیم و تربیت، مفاهیم، نظریه ها و قواعد نسبتاً کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان، مدیران، اولیاء فرهنگ و والدین دانش آموزان در کلیه اعمال تربیتی باشد" (شریعتمداری، ۱۳۷۷: ۱۱). اصول تعلیم و تربیت مبتنی بر تعالیم دینی و تحقیقات روانشناسی، جامعه شناسی، فرهنگی و آرای مربیان بزرگ و فیلسوفان و دانشمندان تعلیم و تربیت است. در این مقاله، اصول تربیتی مبتنی بر آموزه ها و تعالیم قرآن کریم است.

۱. صداقت، صراط مستقیم و منهاج هدایت

با توجه به تحلیل های صورت گرفته از آیات قرآن کریم در بخش های پیشین مقاله، یکی از مصادیق انسان صدیق، مؤمن هدایت یافته است؛ یعنی کسی که پیرو و مطیع خدا و پیامبر است، "وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَادَةُ" (حدید/ ۱۹). در آیات ۶۷ تا ۶۸ سوره نساء نیز از کسانی سخن به میان می آید که از جانب خدا پاداشی بزرگ به آنان می رسد که همانا هدایت به راه راست است. و در ادامه، مصداق ها را انبیاء، راستگویان، شهدا و صالحان معرفی می کند. بنابراین، قرار داشتن در مسیر صراط مستقیم و هدایت مردم به راه راست، فضل و پاداش بزرگی است که از طرف خداوند نصیب پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان و شایستگان یعنی کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، می شود. با توجه به این نکته که یکی از برترین مصادیق، هدایت یافتگی بعد از مقام نبوت، صداقت است، متخلق بودن به این ویژگی و فضیلت اخلاقی که چراغ راه و روشنگر صراط مستقیم است، باید به عنوان یک اصل مهم تربیتی راهنمای مربیان، معلمان، مدیران، اولیاء فرهنگ و والدین دانش آموزان در کلیه اعمال تربیتی قرار گیرد.

۲. هماهنگی و لزوم صدق در گفتار، صدق در نیت و صدق در عمل

یکی از مظاهر صدق که در آیات قرآن نیز به آن اشاره شده، هماهنگی بین گفتار و کردار که هم خود انسان و هم دیگران می توانند در مورد آن قضاوت نمایند و هماهنگی بین گفتار و کردار با نیت است که فقط توسط خود انسان قابل ارزیابی است. بر

اساس فرهنگ قرآنی، رعایت صدق در گفتار، صدق در نیت و صدق در عمل مؤید و لازم و ملزوم یکدیگرند. خداوند در سوره مبارکه صف از کسانی که ایمان آورده‌اند می‌پرسد؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ* خداوند در آیه بعد با لحن تندتر هشدار می‌دهد که؛ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ*! این آیات شریف ناظر بر لزوم رعایت صدق در گفتار و صدق در عمل توسط ایمان آورندگان و به عبارتی تربیت یافته‌گان مکتب قرآن است.

از آن جایی که گفتار و کردار آشکار، مؤید نیت انسان است، پس لازم است که انسان ابتدا در نیت خود صداقت و اخلاص داشته باشد تا در مراحل دیگر بتواند در گفتار و عمل نیز مطابق با نیت، صادقانه عمل کند. در تربیت اخلاقی و اسلامی هماهنگی بین نیت، گفتار و عمل مریبان و متریبان باید به عنوان یک اصل تربیتی و اخلاقی مورد توجه قرار گیرد. از طرفی این نکته بر صاحب نظران پوشیده نیست که قبل از این هماهنگی، لزوم اخلاص و پاکسازی نیت، بسیار حائز اهمیت است. "نخستین آداب و آئین‌های مربوط به معلم و شاگرد که باید به عنوان یک امر ضروری و قطعی مورد توجه قرار گیرد، این است که در پویایی از علم و یا بذل و اعطاء آن به دیگران، دارای خلوص نیت باشند؛ زیرا محور و کانون ارزش علم و رفتار هر کسی بر قصد و نیت است" (حجتی، ۱۳۸۷: ۷۱).

۳. جلب اعتماد متریبان از طریق رفتار صداقانه مریبان و بزرگترها

یکی از اصول و بایدهای اخلاقی در تربیت این است که بزرگترها اعم از والدین و مریبان و کارگزاران تربیتی و فرهنگی، با صداقت و راستی کامل رفتار کنند. صداقت در قول و فعل جهت تأثیرگذاری ملازم یکدیگرند. بزرگترها می‌توانند با صداقت و راستگویی، وفای به عهد و پیروی از حق و حقیقت، عناد و لجاجت متریبان را حد زده، و اعتمادشان را جلب نماید. این اطمینان و اعتماد، هم برای بزرگترها و مریبان و هم برای متریبان موجب آسایش فکری و درونی است (حجتی، ۱۳۷۴: ۱۹۹).

خداوند در بیان اهمیت صداقت در قول و وعده و معرفی الگو، خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: "وَأذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا" (مریم/۵۴).

در حقیقت تا انسان "صادق" نباشد، محال است به مقام والای رسالت برسد چرا که اولین شرط این مقام آنست که وحی الهی را بی کم و کاست به بندگانش برساند (تفسیرنمونه، ج ۱۳، ص: ۹۷). انسان تربیت یافته مکتب قرآن و مؤمن حقیقی وقتی حرفی می‌زند، پای حرف خود ایستاده و از عمل به گفته خود شانه خالی نمی‌کند، چرا که گفتن سخنی و عمل نکردن به آن به شدت موجبات خشم خداوند را فراهم می‌کند (صف / ۳). از بدترین بلاهایی که ممکن است بر یک جامعه مسلط شود بلای

^۴ آیات ۲ و ۳ سوره صف

سلب اطمینان است، و عامل اصلی آن جدایی گفتار از کردار است، مردمی که می‌گویند و عمل نمی‌کنند هرگز نمی‌توانند به یکدیگر اعتماد کنند (تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص: ۶۷).

ج. روش‌های تربیتی مبتنی بر صدق

۱. به کارگیری لسان صدق

لسان صدق روش تربیتی پیامبران برای هدایت بشر بوده است همان‌طور که از سخنان امام علی (ع) می‌توان دریافت که "فدعاهم بلسان الصدق الی سبیل الحق..." پیامبران، مردم را با زبان راستگویی به راه حق فراخواندند (نهج البلاغه، خطبه ۲۶۴: ۱۴۴). از نظر ایشان، لسان صدق و نام نیکو، مهم‌ترین سرمایه‌ای است که خداوند در اختیار انسان قرار داده که قابل قیاس با ارثی که بر جای می‌گذارد، نخواهد بود.^۱ به بیان دیگر، راستگویی، امانتی است که بر عهده زبان گذاشته شده است. و شایسته نیست که زبان بر این امانت خیانت کند تا آنجا که آن حضرت در طول عمر خود جز صدق و راستی سخنی به زبان جاری نساخت و با آن که معمول نیست که انسان از فضائل و کمالات خود مستقیماً سخن بگوید؛ اما راستگویی در تفکر ایشان از چنان اهمیتی برخوردار بود که با قید سوگند به خدا، اعلام می‌کند که هرگز جز به راستگویی، زبان به سخن باز نخواهد کرد (معارف، ۱۳۹۳: ۵).

۲. روش الگوپردازی

هر انسان مومنی برای دستیابی به زندگی معیار، در پی یافتن الگویی پسندیده است تا خود را با آن مقایسه کند و زندگی خویش را با رنگ آن بیاراید. الگوخواهی و قهرمان پرستی، ریشه در ارزش پرستی آدمی دارد. قرآن با توجه به این نیاز، به زندگی شخصیت‌هایی همچون حضرت ابراهیم، موسی، مریم، یحیی، یوسف و به خصوص پیامبر اعظم (ص) اشاره می‌کند و همگان را به سرمشق‌گیری از زندگی آنان ترغیب می‌سازد. با درنگ در آیات قرآن، می‌توان اذعان کرد که این کتاب الهی به الگوخواهی مومنان به خوبی پاسخ گفته است؛ زیرا در کنار هر مفهومی، مصداق آن را بیان می‌کند. این نکته، زیباترین رویکردی است که به نیاز جست و جوگری و الگوخواهی جوان پاسخ می‌گوید (پورامینی، ۱۳۹۱: ۲۳).

۳. تقویت ایمان

صدق و ایمان با یکدیگر رابطه متقابل دارند؛ به طوری که صدق و راستی معرف ایمان بوده و ایمان نیز الزامی جز صدق ندارد؛ چنان‌که، دروغ با نفاق و بی‌ایمانی پیوند می‌خورد. در این خصوص علی (ع) در غررالحکم و دررالکلم چنین می‌فرماید که: **الْصَّدْقُ أَقْوَى دَعَائِمِ الْإِيْمَانِ** یعنی: صدق و راستی محکم‌ترین پایه ایمان است (معارف، ۱۳۹۳: ۱۳).

^۱. نهج البلاغه خطبه ۲۳: ولسان الصدق يجعلها لله للمراء في الناس خير له من المال يرثه غيره.

ایمان به خدا به عنوان تنها آفریننده و کردگار عالم امکان و ایمان به حقانیت نبی و فرستاده او و باور به عالم غیب و شهادت، زمینه‌ی تصدیق را در متربیان ایجاد می‌کند. از آن جا که ایمان مبتنی بر شناخت و آگاهی است، در انسان الزام درونی ایجاد می‌کند. "از دیدگاه قرآن کریم و در معارف اسلامی در مقام تبیین و تشریح ایمان، اقسام و مراتبی برای آن قائل شده‌اند: الف. ایمان لسانی: ایمانی است که در دل رسوخ کرده‌است. ب. ایمان برهانی: این ایمان از طریق برهان در عقل انسان رسوخ می‌کند و با گرفتن شک از عقل، او را قانع می‌سازد. ج. ایمان قلبی: چنین حالتی، ایمانی عاطفی و یقینی است که در دل رسوخ کرده است و انسان، خدا و معاد را از قلب و جان باور کرده است. مومن در این موقعیت به مرحله‌ای رسیده است که خداوند را از رنگ گردن به خود نزدیک تر احساس می‌کند" (مظاهری، ۱۳۸۹: ۲۴۵).

پس باید گفت که ایمان به خدا به عنوان تنها آفریننده و کردگار عالم امکان و ایمان به حقانیت نبی و فرستاده او و باور به عالم غیب و شهادت، زمینه‌ی تصدیق را در متربیان ایجاد می‌کند. بنابراین هر فرد به اندازه‌ای که رشد کرده است می‌تواند از مراتب ایمان بهره کافی را ببرد و هر چه بیشتر ویژگی صداقت را در وجود خود جلا دهد.

۴. انجام عمل صالح

عمل صالحی که در قالب رفتار و کردار صادقانه از مربی و اولیا سر می‌زند، الگوی تربیتی مناسبی برای متربیان است. افزون بر این، مربی می‌تواند معیارهایی را بر اساس سنت و سیره پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع)، تبیین و در دسترس متربیان قرار دهد.

۵. اجتناب والدین و مربیان از کذب در کردار و رفتار و گفتار

خانه از ارکان مؤثر در تحقق شایسته‌ی جریان تربیت رسمی و عمومی می‌باشد و به طور طبیعی مهم‌ترین نقش را در زمینه‌سازی رشد و تحول فرزندان بر عهده دارد (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ۱۳۹۰: ۱۵۳).

پایه و اساس شکل‌گیری و تعالی هویت افراد، محیط خانه و افراد آن است. در دین اسلام، تربیت فرزندان وظیفه و تکلیف والدین است. در برخی از آیات قرآن کریم به روشنی بیان شده است که والدین در قبال تربیت فرزندان مسئولند؛ از جمله: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است نگاهدارید، آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند، و هرگز مخالفت فرمان خدا نمی‌کنند و دستورات او را دقیقاً اجرا می‌نمایند! (تحریم/ ۶) و "و خانواده‌ات را به نماز فرمان ده و بر آن پایدار باش" (طه / ۱۳۲).

رفتار هوشمندانه مبتنی بر ارزش اخلاقی صدق از سوی والدین و مربیان، زمینه‌ساز تکوین این ارزش اخلاقی در فرزندان خواهد شد. والدین هم در ارتباط با یکدیگر و هم در ارتباط با کودکان، در حال آموزش مفاهیم اخلاقی و رفتاری به کودکان

هستند. اما گاه بزرگترها سخنانی می‌گویند که عامل به آن نیستند، گاه وانمود می‌کنند که در حال انجام امری هستند، در حالی که فقط وانمود می‌کنند و رفتار و کردار آنان با نیت‌شان یکی نیست و اقدامشان اغواکننده و فریبکارانه است. گاه به عهد و قول خود وفادار نیستند، گاهی نیز در پاسخ به برخی از پرسش‌های کودکان و نوجوانان به دلیل عدم اطلاع کافی و برای حفظ اقتدار و مرجعیت خود، متوسل به پاسخ‌های نادرست و دروغ می‌شوند. چنانچه والدین در چنین مواقعی، صادقانه بگویند که در آن زمینه اطلاع کافی ندارند، نتیجه بهتری عاید خود و کودکان می‌شود، حداقل این که اعتماد آنان را نسبت به خود سلب نمی‌کنند. دوری‌گزینی و عدم همنشینی با اشخاص کذاب و دروغ‌پرداز نیز از جمله اقدامات تربیتی است که والدین لازم است فرزندان خود را به طور مستقیم یعنی در قالب نصیحت، تذکر و بیان و همچنین به شکل غیرمستقیم یعنی در عمل، از آن برحذر دارند. بر والدین لازم است تا معیارهای انتخاب دوست و همنشین "صدیق" را برای فرزندان تبیین نمایند.

چ. صدق و برنامه‌درسی

در طراحی و تدوین محتوای آموزشی، با توجه به تأثیرگذاری معرفتی مطالب و محتوای درسی، می‌توان و البته ضروری است که بخشی از محتوای آموزشی و برنامه‌های درسی را به طور خاص و با جهت‌گیری و شیوه‌ای کاربردی به ارزش‌های اخلاقی مهمی چون صداقت، وفای به عهد، حق‌گروی و حقیقت‌جویی و نظایر آن اختصاص داد. در قلمرو اجرا، می‌توان "صدق" را در هر دو معنای راستگویی و وفای به عهد، در کنار سایر مفاهیم اخلاقی، به عنوان اخلاق حرفه‌ای تدریس مورد توجه قرار داد. در مراکز تربیت مدرس و معلم که اخلاق حرفه‌ای در حالت مطلوب، بخش قابل توجهی از برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی را به خود اختصاص می‌دهد، می‌توان مهارت‌ها و نگرش‌های ویژه‌ی این ارزش اخلاقی را به طور مشخص و دقیق در رابطه‌ی معلم یا شاگرد و در فعالیت‌ها و اقدامات آموزشی و تربیتی متنوع و در سطوح مختلف، تبیین نمود. همچنین در قلمرو ارزشیابی، می‌توان زمینه‌های تربیتی صدق را که در قالب رفتار و کردار صادقانه بروز می‌کند، عملاً ایجاد نمود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد تا به معناشناسی مفهوم قرآنی صدق و دلالت‌های تربیتی آن پرداخته شود. خداوند حکیم قرآن را که کتاب هدایت و تربیت انسان‌هاست، نسخه‌ای شفابخش می‌خواند "و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ..." (اسراء/ ۸۲)، یعنی قرآن رانازل می‌کنیم که شفا و رحمت برای مؤمنان است. "شفا" معمولاً در مقابل بیماری‌ها و عیب‌ها و نقص‌ها است، بنابراین، نخستین کاری که قرآن در وجود انسان‌ها می‌کند، همان پاکسازی از انواع بیماری‌های فکری و اخلاقی فرد و جامعه است. پس از آن مرحله "رحمت" فرا می‌رسد که مرحله تخلق به اخلاق الهی، و جوانه‌زدن شکوفه‌های

فضائل انسانی در وجود افرادی است که تحت تربیت قرآن قرار گرفته‌اند. به تعبیر دیگر "شفا" اشاره به "پاکسازی"، و "رحمت" اشاره به "نوسازی" است، و یا به تعبیر فلاسفه و عرفا، اولی به مقام "تخلیه" اشاره می‌کند و دومی به مقام "تحلیه" (تفسیرنمونه، ج ۱۲، ص: ۲۳۸).

در امر تربیت و بویژه تربیت دینی و اخلاقی، قرآن برترین وسیله هدایت همه مردم "هُدًى لِّلنَّاسِ" است. قرآن، مایه هدایت خالص و بدون هیچگونه ضلالت و سردرگمی است اما تنها افراد پاک و پرهیزکار، از هدایت قرآن بهره‌مند می‌شوند "هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ"، و هرکس که ظرف دلش پاکتر باشد، بهره‌مندی و نورگیری او بیشتر است.

صدق، وصفی است که تمامی فضائل علم و عمل را در بر می‌گیرد، ممکن نیست کسی دارای صدق باشد و عفت و شجاعت و حکمت و عدالت، چهار ریشه اخلاق فاضله را نداشته باشد، چون آدمی به غیر از اعتقاد و قول و عمل، چیز دیگری ندارد و وقتی بنا بگذارد که جز راست نگوید، ناچار می‌شود این سه چیز را با هم مطابق سازد، یعنی نکند مگر آنچه را که می‌گوید و نگوید مگر آنچه را که معتقد است و گر نه دچار دروغ می‌شود (ترجمه المیزان، ج ۱، ص: ۶۵۲).

بر اساس تحلیلی که از آیات قرآن و تفاسیر مختلف از آن‌ها گذشت، می‌توان گفت که دایره "صدق" نه تنها در گفتار که در نیت و عمل نیز گسترده است. همچنین دو حوزه معنایی کلی در مفهوم کلی‌تر "صدق" مندرج است؛ یکی به معنای راستگویی و پیروی از حق و دیگری به معنای وفاداری به عهد و پیمان است. داشتن ایمان، تقوا و پرهیزکاری، قرار داشتن در مسیر هدایت، وفای به عهد و پیمان و پیروی در کل اطاعت و پیروی از خداوند و پیامبر نیز از ویژگی‌های بارز یک انسان صدیق است.

در تعلیم و تربیت به طور عام و در تربیت دینی و اخلاقی به طور خاص، "صدق" را در هر دو معنای راستگویی و وفای به عهد می‌توان در کنار سایر مفاهیم اخلاقی، به عنوان اخلاق حرفه‌ای تدریس مورد توجه قرار داد. در مراکز تربیت مدرس و معلم که اخلاق حرفه‌ای در حالت مطلوب، بخش قابل توجهی از برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی را به خود اختصاص می‌دهد، می‌توان مهارت‌ها و نگرش‌های ویژه‌ی این ارزش اخلاقی را به طور مشخص و دقیق در رابطه‌ی معلم و شاگرد و در فعالیت‌ها و اقدامات آموزشی و تربیتی متنوع و در سطوح مختلف، تبیین نمود. همچنین می‌توان بخشی از محتوای آموزشی و برنامه‌های درسی را به طور خاص و با جهت‌گیری و شیوه‌ای کاربردی به ارزش‌های اخلاقی مهمی چون صداقت، وفای به عهد، حق‌گروی و حقیقت‌جویی و نظایر آن اختصاص داد.

منابع

- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۹۲). چاپ دهم، قم: موعود اسلام.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، آذرماه ۱۳۹۰
- اعراف، علیرضا، محمد بهشتی، علی نقی فقیهی و مهدی ابوجعفری (۱۳۸۷). درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲)؛ اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، چاپ دهم، تهران: سمت.
- انصاری، محمدعلی (۱۳۸۹). گامهای موفقیت در پرتو قرآن کریم، چاپ دوم، مشهد: بیان هدایت نور.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۹۴). مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ سوم، تهران: فروزان روز.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باقری، خسرو و همکاران (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پورامینی، محمدباقر (۱۳۹۱). سبک زندگی: منشور زندگی در منظر امام رضا (ع)، چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴). تفسیر موضوع قرآن کریم؛ مراحل اخلاق در قرآن، چاپ پانزدهم، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴). مفاتیح الحیاه، چاپ یکصد و نود و پنج، قم: مرکز نشر اسراء.
- حجتی، سید محمد باقر (۱۳۸۷). آداب تعلیم و تعلم در اسلام، چاپ سی و ششم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- حجتی، سید محمد باقر (۱۳۷۴). اسلام و تعلیم و تربیت؛ بخش اول تربیت، چاپ شانزدهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ.
- دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین (۱۳۶۲). گناهان کبیره، جلد اول، چاپ هشتم، تهران: نشر ضرابی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷). مفردات الفاظ قرآنی، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی حسینی، نشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۷). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- شمشیری، بابک و شیروانی شیری، علی (۱۳۹۰). مفهوم صبر در قرآن و دلالت‌های فلسفی و تربیتی آن، در فصل‌نامه تربیت اسلامی، سال ششم، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۹۰، صص ۷۹-۹۸.
- شیروانی شیری، علی و دیگران (۱۳۹۲). تأملی در معنای حب در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن، در فصل‌نامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۲. صص ۱۱۳-۱۳۴.
- صفوی، امان الله (۱۳۸۷). کلیات روشها و فنون تدریس، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات معاصر.
- فرهادیان، رضا (۱۳۸۵). مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث، چاپ دوم، قم: موسسه بوستان کتاب.
- قراحتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- عمید، حسن (۱۳۷۷). فرهنگ عمید، جلد دوم، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات امیر کبیر.

غزالی، امام محمد (۱۳۸۴). *کیمیای سعادت*، چاپ دوم، به اهتمام پروین قاسمی، تهران: پیمان.
کومبز، جرالد آر.؛ دنیلز، لو روی بی. (۱۳۹۴). *پژوهش فلسفی: تحلیل مفهومی*، ترجمه خسرو باقری، در
ادموند سی. شورت: روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی، ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران، تهران: سمت.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
مظاهری، حسین (۱۳۸۹). *ویژگی‌های معلم خوب*، نشر اخلاق.

معارف، مجید (۱۳۹۳). در آمدی بر مفهوم صدق، مراتب و آثار آن از منظر نهج‌البلاغه، در *نشریه بصیرت و تربیت اسلامی*، سال
یازدهم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱-۱۸.

موحدی محب، عبدالله (۱۳۸۸). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، چاپ چهارم، قم: نشر معارف.
موسوی همدانی، سید محمدباقر (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*، جلد اول، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶). *میزان الحکمه*، جلد ۶، چاپ هفتم، به اهتمام حمید رضا شیخی، قم: نشر دارالحدیث.
نراقی، احمد بن محمد مهدوی (۱۳۸۵). *معراج السعاده*، قم: موعود اسلام.